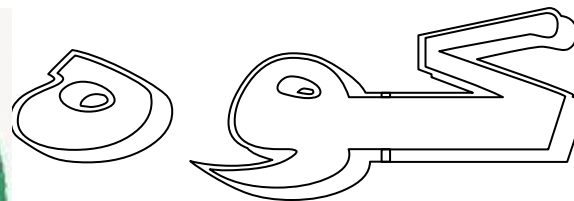
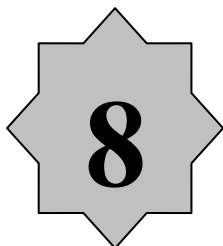


ماهنامه

فیروز



فرهنگی، سیاسی و اجتماعی



سال چهارم

شماره هشتم

حوت 1386 / مطابق فبروری 2008

امور زنان به روایت زنان

بعد از فروپاشی رژیم زن ستیز طالبان و پدید آمدن فضای جدید در کشور، زنان در افغانستان فرصت آن را یافتند که دوشادوش مردان در بعضی از عرصه ها به فعالیت آغاز نمایند. نشریه فیروز کوه مسایل و موضوعات مرتبط زنان را با وکلای محترم شورای ولایتی هر یک خانم داکتر عاقله شرف، خانم انجیلا شریفی، خانم گل پیدا منش و خانم قمر گل امیری به بحث و بررسی گرفته است. همانگونه که می دانیم زنان در شرایط جدید سیاسی اجتماعی در کشور تلاش دارند تا مسولیت های بیشتری به عهده بگیرند و در ساختن وطن خویش همراه با مردان، سهم بگیرند. اینکه وضعیت زنان در غور تا چه اندازه نسبت به گذشته ها تغییر کرده است، داکتر عاقله شرف گفت: "ما پیشرفت های چشمگیری

داشته ایم، در دوران طالب ها، خانم ها اجازه نداشتند که از خانه بیرون شوند، اما حالا خواهران ما به پارلمان کار می کنند، خانم های به شورای ولایتی داریم، به صحت عامه داریم که مصروف خدمت هستند، خانم های داریم که به مکاتب کار می کنند و به ریاست امور زنان و جا های دیگری که جای شکر است، از همه مهمتر دخترانی هستند که فعلاً به مکاتب درس می خوانند، اما باز هم اوضاع قناعت بخش نیست و آرزو های که ما داشتیم هنوز برآورده نشده." خانم انجیلا شریفی هم روی آموزش و پرورش تأکید می کند و عقیده دارد که "هر چند تعلیم و تربیه نسبت به سالهای گذشته بهتر شده، اما این کافی نیست و ما از خانواده های محترم خواهش می کنیم که

سبزیجات و میوه جات و تکه های کهنه به دور انداخته شده، قطی های آهنی مبلایل، ویکم، گریس، قطی های پلاستیکی مختلف السایز روغن های نباتی، قطی های نوشابه باب و امثال اینها تشکیل میدهند. این افراد آنقدر با علاقمندی بخدمت این نظام می شتابند که نظیر انرا کسی ندیده، نشنیده و نخواهد دید و شنید. چنانچه از فرط رجعت در خدمت نظام، همه روزه میلیاردها تن از این فدائیان اضافه تشکیل و سرگردان در کوچه ها، جوی و جویچه ها، کنار جاده ها، بین مزارع و خلاصه در هر جای مکان میگردند. بعضاً این افراد اضافه بست در مزارع دهاقین و باغ ها هجوم برده همه هستی بزرگران و باغداران را از بین میبرند. شکایت کردن و عریضه نمودن از دست این افراد در این امپراطوری بکلی جایز نیست و اگر کدام آدم نافهم و نابلد شکایت کند ویا آواز بدر آورد به جریمه حد اقل جا دادن یک میلیون تن این افراد



دختران خود را به مکتب روان کنند. تا بتوانند به نفع کشور کار کنند." زمانی که از وضعیت حقوقی خانم ها پرسیده شد، داکتر عاقله شرف وضعیت را قناعت بخش ندانست و گفت: " نکاح شغار وجود دارد، گرفتن میراث (زن برادر) حتا در خانواده های به اصطلاح روشنفکر دیده شده، بد دادن، دختران به مقابل خون تا هنوز در ولسوالی ها و قریه های دور دست جریان دارد برخلاف قانون اساسی. علما هم می گویند که باید از این اعمال جلوگیری شود، اما مردم این مسایل را در نظر نمی گیرند. خواهش ما از دولت و شورای ولایتی و غیره نهاد ها این است که در این رابطه جداً کار کنند و برای محو شدن و یا حد اقل کم شدن این گونه کارها، فعالیتت سهیم بگیرند. نقش علماً در این رابطه خیلی موثر است و آنها باید کوشش کنند و تبلیغ کنند که گردن شان به دو دنیا بسته می ماند، اگر حق را نگویند و به مردم نرسانند. من به حیث یک زن و نماینده مردم در شورای ولایتی واقعاً از دفتر حقوق بشر تشکر می کنم که در این باره سمینار ها دایر کرده و از علماً دعوت کرده و فعالیت های خوبی انجام داده، اما... ادامه ص 2

در حویلی و اطراف خویش جریمه میگردد. عجیب اینکه افراد این نظام هیچ گاهی مریض نمیشوند و بکلی مرگ (بجز حریق یا آتش) در سراغ اینها نمی آید بر علاوه فصول گرما و سرمای سال نیز تاثیری بالای این عجایبات عالم ندارند. در مقابل گرسنگی، تشنگی، گرما و سرما فوق العاده مقاوم اند. این داوطلبان صدیق امپراطوری از فرط شادی در خدمت و تلاش در جهت سوق شدن هستند و همینکه تشنه شدند، به دریاها و ذخایر آب حمله ور شده بیک دم آب دریا و ذخیره را خشک میسازند طوریکه دیگر برای ابد از همچو جایها آبی سر برون نمی آورد. جالب این که در این نظام هر فردیکه جای گرفت دیگر مرخص نمیگردد مگر اینکه شعله ئی آتشی سر از کمین از کدام گوشه ئی برآورده و او را طعمه حریق خود گرداند. از اینرو این افراد در نهایت تلاش بخدمت نظام می شتابند. در این امپراطوری هیچ کسی در فکر مظاهره و سرو صدا بلند کردن نیست و هم کسی نمیخواهد چنین کاری بکند زیرا همه از جان و دل گرویده این نظام هستند و این نظام را بسیار دوست دارند. در حمل و نقل اردوی این نظام بعوض طیاره، موتر و ریل از وسیله بسیار و بسیار کم مصرف بنام باد و از قطار های سریع السیر بنام های گرد باد و طوفان ها کارگرفته میشود که بی اندازه اقتصادی و کم مصرف میباشند. چنین است خوبی های این نظام امپراطوری زوال نیاب.

تشکیلات اداری نظام:

در رأس امپراطوری کسی قرار دارد که نامش کتافت و یا چتلی است (dirtiness) و بنام امپراطور کبیر یاد میشود. بعد از او در هر شهر یک امپراطوری دیگری حکمفرما میباشد که نظر به بزرگی ادامه در ص 3

امپراطوری چتلستان

به اندازه ئی با عظمت و شکوه مند است که تاریخ تا کنون نظیر آنرا ندیده است. این امپراطوری بزرگترین بخش قاره خاکی آسیارا احتوا نموده است طوری که از ایران تا برما و از چین تا ساحل بحر هند را فراگرفته است. زبان زد ترین و پر جمعیت ترین کشور های جهان تحت قلمرو این امپراطوری اند مانند کشورهای: افغانستان، پاکستان، هند، بنگله دیش،

در تاریخ امپراطوریهای زیادی در صحنه گیتی پدیدار گردیده و در قلب تاریخ بخود نامی بجا گذاشته اند مانند امپراطوری عثمانی ها، امپراطوری ساسانیان، امپراطوری عرب، امپراطوری یونانی ها و غیره اما هیچ کدام آنها به اندازه امپراطوری کنونی مقتدر و با نام و آوازه نبوده اند. امپراطوری عصر حاضر که بنام امپراطوری چتلستان معروف است،

نیپال، بوتان وغیره. عساکر این امپراطوری را افراد نهایت عجیب، مخصوص و بی اندازه مخصوص بنام های: خریطه های پلاستیکی پاره و کتیف، پوش های بسکوت، پاکت های دور انداخته شده چاکلیت و شیرینیات، زباله دانها، ادویه تاریخ تیر شده، قطعات تکه های قیچی شده خیاطان، بقایا و تفاله های مواد غذائی و



دیده شده، باید خود داری شود، آنها گفتند که من حتماً کوشش می کنم که از آمدن آنها جلوگیری کنم. بلی رئیس صاحب هم به جستجو و فکر رفع این مسأله هست."

در رابطه به کورس های سواد آموزی و مکاتب خانگی که از جانب معارف و در هماهنگی با ریاست امور زنان و به همکاری بعضی موسسات انجام می شود. خانم گل پیدا منس می گوید: "موجودیت کورس ها بسیار مفید است، حتا دخترهای از همین طریق سواد یاد گرفتند و به مکتب رفتند و شامل صنف شش و هفت شدند. اگر استادها بیشتر توجه کنند و مدیریت بهتر باشد مکاتب خانگی خیلی موثر هستند و باید به تمام واحد

امور زنان به روایت زنان ریاست امور زنان در این مورد تا هنوز کار قناعت بخشی نکرده. شورای ولایتی هم کارهای که در این خصوص و در رابطه به مسایل حقوقی و موضوعات مرتبط به زنان باید می کرد، انجام نداده."

در رابطه به اهمیت و موثریت ریاست امور زنان که یک گام خوب در راه تأمین حقوق و ایجاد ظرفیت برای خانمها به حساب می آید، داکتر عاقله شرف یاد آور می شود که: "این اداره بسیار مهم است و یک روزنه امید برای خانمها می باشد، اما تا هنوز کارها خیلی مؤثر نبوده و مشکلات هم بیشتر به کمبود امکانات اداره بوده چون که ریاست امور زنان پالیسی ساز است. خانم شریفی نیز ضمن اینکه ایجاد ریاست امور زنان را یک گام خوب می داند اضافه می کند که در ریاست امور زنان باید عدالت و بی طرفی وجود داشته باشد. وقتی از داکتر عاقله شرف پرسیده شد که به نظر شما کسی که مسؤلیت مهم ریاست امور زنان را به عهده داشته باشد باید دارای چه خصوصیات و ویژگی های باشد؟ ایشان در پاسخ گفتند: "یک رئیس اولتر از همه باید تحصیلات داشته باشد، دلسوز و مهربان باشد، خانمی باشد که از روی ملاحظات کار نکند، باید مستقل باشد و همیشه به این فکر نباشد که به قوم خود خدمت کند، باید کمک او به تمام ولایت به خانمها برسد و عام باشد. بهر حال ریاست

مثلاً رئیس صاحبان قبلی." زمانی که از نمایندگان مردم در شورای ولایتی تقاضا شد تا پیشنهاد و گفتنی ای که به خانمها دارند، ارائه نمایند؛ خانم انجیلا شریفی و داکتر عاقله شرف از زنان خواستند که باید سطح تعلیم و تربیه خود را بالا ببرند و تلاش کنند تا در همه عرصه ها خود را برسانند و معلومات خود را زیاد و کامل نمایند. همچنان خانم گل پیدا منس تذکر دادند که خانمها باید آگاهی های حقوقی خود را بالا ببرند و از حقوق خود با خبر باشند و مردان خانواده هم باید از حقوق زنان و مکلفیت های خود شان باید با خبر باشند اگر مردان معلومات حقوقی نداشته باشند و از شریعت با خبر نباشند باز هم مشکل باقی خواهد ماند. خانم امیری نیز ضمن تأیید



ازدیاد نسل بشری کاری است نا مشروع...

حکم "عزل" و منع بارداری:

عزل به معنی انزال خارج از رحم است، که گاهی برخی به خاطر جلوگیری از بارداری همسران خود، همچون برخی دیگر از ابزار پیشگیری از بارداری مانند قرص ضد بارداری و بستن رحم و وسایلی که مردان از آن استفاده می نمایند و به آن متوسل می شوند. این کار از نظر شرعی مانعی ندارد. اما چنانچه زن راحتی به آن نباشد، کراهت دارد زیرا اقدام به انزال در رحم سبب بارداری میشود و او نیز در مورد فرزند دار شدن دارای حق است. امام نوبی رحمته الله می گوید: "عزل به معنی کنار کشیدن از عمل زنا شویی قبل از انزال است و از نظر ما در هر شرایطی - چه با رضایت یا عدم رضایت همسر، انجام پذیرد کراهت دارد زیرا منجر به عدم آفرینش فرزند می شود." دلیل بر جواز عزل و امثال آن حدیثی است از جابر بن عبدالله انصاری که می فرماید: "در عصر رسول خدا (ص) و در شرایطی که آیات قرآن نازل می



امور زنان به اساس مشکلات تا هنوز نتوانسته از توقعی را که خانم‌ها از آنها داشته بر آورده بسازد که این مسأله هم علت و عوامل خاص خود را دارد، برای امور زنان از نگاه تخصیص یک چیزی بسیار کمی در نظر گرفته شده، ریاست تعمیر ندارد، مدیریت به ولسوالیها ندارد، این‌ها از مشکلات ریاست امور زنان می باشد. "ریاست امور زنان یکی از مسئولیت های عمده اش این است که از رفت و آمد افراد غیر مسئول جلوگیری کند که این مسئله انشا لله رعایت خواهد شد.

وقتی از داکتر عاقله شرف پرسیدیم که برخورد امور زنان با مردم و رفت و آمد مردم چگونه است، گفتند: "نظر من در این رابطه این است، من چندین بار مشوره کردم همراه رئیس صاحب که از رفت و آمد افراد بیکار باید جلوگیری شود در رسمیات وغیره. گاهی وقت

های اداری و قریه جات دور دست گسترش بیابند. " اما خانم گل پیدا منش در باب استخدام معلمین و شفافیت در این باره می گوید: " بعضی معلمین که من می شناسم، شاگرد از او ده چند لایق تر است که به اساس روابطی که دارند به ریاست معارف و امور زنان، این‌ها استخدام شده اند. نظر به گفته بعضی موکلین یا بعضی معلمین، ریاست امور زنان در رابطه به معرفی معلمین عادلانه کار نکرده، ما معلمینی را دیدیم که گفتند مواد به نام ما گرفته شده و به دیگر کسی داده شده. " خانم قمر گل امیری نیز در این باره می گوید: " ما هم طوری که از بعضی موکلین شنیده ایم و یا خود ما دیده ایم حتا بعضی از این معلمین تا حال خود شان متعلم هستند. ما خانم های را داریم که آدم لایق و با سواد هستند که متأسفانه بی کار هستند و امور زنان و معارف بهتر است که آنها را استخدام کنند. " وقتی از داکتر عاقله شرف پرسیده شد که آیا کسانی در غور هستند که واجد شرایط باشند و بتوانند امور زنان را به نحو بهتری اداره کنند.

ایشان در جواب گفتند: " در ولایت غور خانم های واجد شرایط وجود دارند. مگر به علت اینکه از ابتدا یک تعداد به بعضی کار های دگر مشغول شدند و تعدادی به ریاست امور زنان آمده که به نظر ما کافی نیست باید زنان با تجربه بیشتر در این ریاست استخدام شوند تا کار بهتر صورت گیرد اداره خوبتر به وجود بیاید البته به استخدام زنان نظر نیک پذیرفته نشده کارهای سلیقه ای که دل خود شان خواسته انجسام داده اند؛

حرف های همکاران خود یاد آور شدند که خانم‌ها باید تلاش کنند تا از دیدگاه های شریعت خبردار باشند و نظر اسلام را نسبت به خود بدانند در غیر آن نمیتوانند از حقوق خود دفاع بکنند.

فقه خانواده

در جهان معاصر

دکتر وهبه زحیلی

مترجم: عبدالعزیز سلیمی

(ص 304 – 308)

تنظیم نسل این است که فاصله میان تولد دو فرزند، بخاطر حفظ توانایی جسمی مادر و در اختیار بودن مدت زمان کافی برای تربیت و پرورش فرزند قبلی تنظیم بشود. این کار از نظر شرعی کاری معقول و مطلوب است؛ زیرا فراوانی نسل و ازدیاد فرزندان مشروط به توانایی و استطاعت مالی و تربیتی خانواده است. اما هرگاه این قدرت و استطاعت به حد کافی وجود نداشت، اقدام به جلوگیری از بارداری و بیشتر نمودن فاصله زمانی میان دو حمل کاری است مطلوب؛ زیرا رسول خدا(ص) فرموده اند: " کمی تعداد خانواده یکی از دو

دارایی و کثرت آن یکی از دو ناداری است. " اما تحدید نسل یعنی قطع نسل از طریق عقیم نمودن مردان یا زنان و امثال آن به خاطر ناسازگاری با اهداف دین و شریعت در مورد

شد، ما گاهی اقدام به عزل می نمودیم و رسول خدا از آن با خبر بود و ما را از آن نهی نمی فرمود. " این احادیث و امثال آن بیانگر این حقیقت اند که جلوگیری از بارداری؛ پیش از انعقاد نطفه جایز است؛ زیرا از آن روایات این گونه فهم می شود که رسول خدا(ص) از آن کار با خبر بوده است و اما از آن نهی نمی فرمود و چنانچه کار حرامی میبود، از آن نهی می نمود و با سکوت خویش آن را تایید نمی کرد. اما این موضوع – همچنان که گفته شد، مشروط به آن است که رسول خدا(ص) از آن اطلاع داشته باشد و این سکوت از نظر اصولی، اگر همراه با آگاهی باشد حکم حدیث مرفوع را دارد و ظاهر موضوع این است که رسول خدا(ص) از آن مطلع بوده و اسباب زیادی وجود داشته که اصحاب در مورد احکام از رسول خدا(ص) پرسش نمایند. ابن عبدالبر در مورد اجازه و عدم اجازه همسر می گوید: علماً اتفاق نظر دارند که بدون اجازه همسر چنین کاری رواه نیست؛ زیرا در عمل زناشویی و بچه دار شدن، زن دارای حق اظهار نظر و تصمیم گیری است و ابن هییره نیز این اجماع را مورد تصدیق قرار می دهد... ادامه ص 3

امپراطوری چتلیستان

شهر موقفش هویدا میشود یعنی اگر شهر خیلی بزرگ باشد امپراطور انرا بنام امپراطور بزرگ و اگر کمی کوچک باشد بنام امپراطور نیمه بزرگ و اگر شهر کوچک باشد امپراطور انرا بنام امپراطور خور ترک یاد میکنند اصطلاحی که در سریال های هندی منتشر شده از طریق تلویزیون طلوع زیاد بکاررفته است. افراد عامی که از ساحات ده نشین داخل امپراطوریهها میشوند نمیتوانند از طریق شنیدن به این نام ها آشنا شوند لذا وقتیکه در قریه بر میگردند بعوض نام امپراطور، کلمه شهردار یا شاروال و یا mayor را بمردم توصیف میکنند که توهینی است به شهر داران زیرا آنان که امپراطور قلمرو خویش اند توسط کلمه تحقیر آمیز شهردار مورد شناخت قرار میگیرند. اگر سیاست آزادی بیان نمی بود نویسنده همچو افراد مغرور را به امر خود محاکمه و مجازات میکرد چرا که امپراطورانی بدین هیبت و صلابت را با کلمه شهردار حقیر میسازند. (اما چه میشود با همچو مرد مانی کرد؟ بخاطری که این مردم بسیار فهمیده اند و بنا بر این عجیب القابی را بر زبان می رانند مثلاً به اشخاصی که در بخش نظامی توظیف اند اگر عسکر باشد او را لقب به ظابط صاحب صدا میکنند و اگر جنرال باشد نیز بعین لقب یادش میکنند. ولی بمردم که در بخش ملکی کار میکنند اگر کاتب باشد او را سر کاتب صاحب، اگر سرکاتب باشد مدیر صاحب، اگر مدیر باشد رئیس صاحب، اگر رئیس باشد وزیر صاحب و

سرسام آوری رشد و توسعه می یابند. از اینجاست که زمینه کاریابی به همه داکتران دنیا مساعد و آماده گردیده است. بهمین خاطر داکتری در این امپراطوری جایگاه نهایت بلند و پر منفعت را دارا است این امر باعث شده است تا روزانه صدها داکتر از اطراف و اکناف عالم در این امپراطوری رو آورند و به سرمایه دوزی های خود بیفزایند. هر داکتر بعد از مدت خیلی کم به امپراطوری و جایگاه والای آن در جهان، پی برده از دل و جان گرویده این نظام میشوند و این امپراطوری را نظام واقعی و فنا ناپذیر برای خود ها میدانند. این امر سبب شده است که جهان همه بطرف داکتر شدن رو بیاورند حتی وکلای پارلمان های دنیا نیز. جالب دیگر اینکه افراد آگنده با عطر و خوش بوئی قسمتی از عطرهای خود را بکمک باد در دنیا پراکنده ساخته و در نتیجه بوی عطر آگین بمشام دالره های امریکائی رسیده آنها بی اختیار بطرف امپراطوری به پرسش می افتند. همینکه وارد قلمرو شدند بلا معطلی به سراغ داکتران، نرسها و کلینیک ها می شتابند و اگر آنان را در امپراطوری نیافتند، در جستجوی آنان در خارج از قلمرو می برآیند و تا آنان را نیابند، ماندنی والای شان نیستند. اما مریضان از کجا و کیها خواهند بود؟ واضح است که در این امپراطوری مریضی وجود ندارد و مرگ نیست ولی مرگ و میر از ساحات خارج از قلمرو در اینجا سرازیر میشود و مریضان اغلب از جاهای که چتلی نیست و نظافت حکمفرما میباشد، در اینجا می آیند. چنانچه 3-5 سال پیش اگر

روابط سیاسی و حسن همجواری:

امپراطوری هر لحظه رو به توسعه و گسترش است و از فرط غرور با کشورهای ضد خود همیشه در تضاد و دشمنی میباشد چنانچه با ایران خیلی در ستیز است. تاجکستان، ترکمنستان و از بکستان را اصلاً ارزش نمی دهد و با چین بچشم خیلی سبک می نگرد با اروپائیان، امریکائیها و روسها علاقمندی خاصی از خود نشان نمی دهد ولی کوشش مینماید تا در این روزها با کشورهای عقب مانده افریقائی رابطه نزدیک برقرار نماید زیرا انها را باب د ندان خود میداند. اخیراً یک هیئت دیپلوماتیک بلند پایه از جانب امپراطوری تحت ریاست باد به قاره افریقا سفر کرده و با هیئت های یکتعداد از کشورهای قاره بریاست گردو خاک در گفتگو میباشند تا به حساب هر لحظه بیش از نهصد هزار میلیارد افراد اضافی امپراطوری را در خاک خودها جا بدهند اما انها بحساب یک دقیقه با این نظر موافق اند نه بحساب هر لحظه بناء این اختلاف نظر سبب شده است تا مذاکرات به کندی پیش برود وبه تیره گی گراید. در آخرین نشست پیشنهاد به این شده است تا رئیس جمهور پاکستان که بیشتر از دیگر کشورهای تحت سلطه امپراطوری افراد اضافه تشکیل دارد و از تجربه بیشتر چتل و چتل بازی برخوردار است در این میان وساطت نموده و باعث حل اختلاف نظر شود. نامبرده با یک پیشنهاد خیلی جالب میخواهد وارد صحنه شود. وی پیشنهاد کرده است تا هر دو جانب نخست به وی اختیار

زنده به دنیا بیاید و سپس فوت کند، دیه کامل آن توسط سقط کننده باید پرداخت شود. اما سقط جنین قبل از سپری شدن چهار ماه از آغاز خلقت آن یعنی زمانی که دارای روح و حرکت می شود، حنفیه، حنابله و شافعیه بر این باور اند که جایز است. (فتح القدیر، ج 2، ص 295) اما حنفیه می گوید: پس از گذشت چهل روز از آغاز خلقت آن، سقطش کراهت تحریمی دارد و قبل از چهل روز مانع شرعی ندارد.

اما علمای مالکیه و امام محمد غزالی و علمای مذهب ظاهریه، سقط جنین را هر چند لحظاتی پس از آغاز خلقت باشد - حرام و نا مشروع می دانند و آن را همانند قتل عمد و زنده به گور نمودن انسان به حساب می آورند، به نظر می رسد این رأی، رأی صحیح و سنجیده و مورد اعتمادی است؛ زیرا اگر جنین را به حال خود رها کنند به انسان کامل تبدیل می شود و تنها در شرایط سخت و اضطراری

اگر وزیر باشد او را صدراعظم و یا رئیس صاحب جمهور خطاب قرار میدهند.) موقف و صلاحیت یک امپراطور خورترک بمراتب بالاتر از موقف و صلاحیت رئیس جمهور ممالک شامل قلمرو این امپراطوری است مثلاً اگر رئیس جمهور کشور الف را مد نظر بگیریم صلاحیت برطرف کردن حتی کاتب دفتر خود را ندارد درحالیکه اگر امپراطور خورترک سر قهر شود به یک دم تمام شهر و اطراف و اکناف آنرا بزیر سم ستوران نظامیان مقتدر خود پایمال و زیر و رو میگرداند چنانچه در یک چشم بهم زدن، عساکر غیور و شجاعش تمام شهر و اکناف آنرا اشغال می کنند. استغفرالله از همچو شهامت و دلاوری.

منبع اقتصادی امپراطوری:

جالب توجه اینجا است که افراد بخدمت گماشته شده در نظام، بعد از گذشت 1-2 روز چنان بوی عطر آگینی از خود در فضا رها میسازند که همه را در حیرت خوش بوئی می افکنند. همین خصلت این افراد است که تمام مردم داخل امپراطوری را واله و شیدای خود هاگردانیده و به قلوب فرد فرد جایگاه خاصی یافته اند. یکی از دکتوران مجرب و پرکار در اثر تحقیقات چندین ساله خویش در یافته است که این عطر پراکنده شده در فضا باعث محو تمام عاملین امراض مفیده شده و انعطاف پذیری وجود را به مبتلا شدن به امراض به درجه تعجب آوری که نمیشود وصفش را در زبان آورد، افزایش داده است. از طرف دیگر عاملین امراض مضره و تباه کن و بالخصوص عاملین امراض ساری میدان گسترش را مناسب حال خود دیده با یک حرکت

خوانند گان بیاد داشته باشند، یک سینه بغل خیلی عادی در یکدم بیکی از شفاخانه های چین کم از کم 300 نفر را بکام مرگ فرو برد. مردم بعداً متوجه شدند که نظافت منبع مرگ و مریضی میباشد باید آنان از این امپراطوری بیاموزند. اما حکومت های ظالم آنان مردم را نمی مانند تا از این امپراطوری تقلید کنند. حکام ظالم گاه و ناگاه بگوش مردم میرسانند که پاکی جزء ایمان است، پاکی باعث تند رستی میباشد،

پاکی زیب بدن است، پاکی لذت بخش روح میباشد و امثال اینها و با اینگونه عبارات و شعارها مردمان خویش را فریب داده آنان را بکام مریضی ها و مرگ و میر می کشانند. در حالیکه آنان از سادگی به این گپ ها باور میکنند و چنین زیرک نیستند مثل مردم تحت قلمرو این امپراطوری که فریب همچو سخنان را نخورند و از زیرکی و هوشیاری خودها کار بگیرند که همین امر باعث مریضی و مرگ آنان میشود.

بیچاره مردم های سرزمین های نظافت و پاکی که همه وقت و هرزمان گرفتار مریضی و مرگ اند. بیک طرفه العین چندین نفر را از دست میدهند و از سرزمین های شان دالره های امریکائی برای ابد متنفرو گریزان میباشند.

فقه خانواده

اما علمای متأخر حنفیه عزل را چنانچه در حال مسافرت طولانی باشند، یا به خاطر بد اخلاقی همسر و قصد جدایی مرد از او انجام گیرد، جایز می شمارند.

حکم سقط جنین:

علمای مسلمان در این مورد اتفاق نظر دارند

عام و تام بدهند تا بتواند قضیه را درست حل نماید. اگر چنین کنند او در یک جلسه با شکوه با کثافت دانیها ابراز نظر نموده که میخواهد به عوض هر لحظه و هر دقیقه که بر سر آنها اختلاف بمیان آمده، با هر ثانیه جانبین را قانع سازد. گمان بر اینست که شاید این نظر سیاست مدار پرطمطراق امپراطوری مورد تأیید و پذیرش جانبین قرار گیرد که در آنصورت آقای رئیس جمهور برنده جایزه درجه اول امپراطوری خواهد شد. نتیجه گیری:

به بینیم که از این میانجی گریها چه می برآید آیا آقای رئیس جمهور موفق به دریافت جایزه از سوی امپراطوری چتلتستان خواهد شد یا خیر؟ خوانند گان محترم این مضمون! لطف نموده با ابراض نظر در این باره لحظه ئی هم غفلت نکنید و تا جای توان پیش بین در اوضاع باشید تا خدا بخواهد جهان سیل آسا بطرف توسعه سرسام آور امپراطوری گسترش یابد تا در نتیجه یک امپراطوری در جهان حاکم گردد که دیگر حرفی از مریضی، مرگ، مظاهره، اعتصاب، اظهار نظرهای سیاسی و تبصره های جهان سالاری در زبان ها نباشد. به پیش بسوی جهانی شدن امپراطوری چتلتستان.

که سقط جنین پس از سپری شدن چهار ماه از انعقاد نطفه و آغاز خلقت جنین، حرام و نامشروع است. مگر آنکه به طور یقین ثابت شود که کودک دارای عیوب جسمی آنچنانی است که امکان زنده متولد شدن او محال است، مانند اینکه دارای سر، گردن و قلب نباشد. اما اگر

است که به رأی حنفیه و شافعیه عمل میشود. شرایطی مثل اینکه جان مادر در اثر بارداری در معرض خطر جدی و یقینی مرگ قرار داشته باشد؛ زیرا بر اساس قواعد اصول فقه "مشقت آسانگیری ر امی طلبد" و "هر ضرورتی در چهار چوب آن مورد توجه قرار می گیرد" در اینگونه موارد باید به این رأی عمل شود ...

آیا قبلاً شنیده بودید!

مریض: تابلیت ها دو یا چهار خط در وسط دارند؟
داکتر: زیرا اگر با آب پایان نرود و در گلو گیر بیاید میشود که با پیچ کش دو رخ یا چهار رخ آنرا پایان کرد.

روزی فیلی زخمی شد او را عمل جراحی کردند پس از عملیات وقتی داکتر از اتاق بیرون آمد با تعجب دید که مورچهء جلو در قدم میزند، داکتر پرسید: اینجا چه میکنی؟ مورچه گفت: داکتر جان آمدم تا اگر لازم شد برای فیل خون بد هم.

باغ سینه

تنگ آمده این شهر به من بال و پیرم کو
 زین باغ سیه تا پیرم، راهبرم کو
 در دیده من خاک سیه گشت تماشا
 تا گریه کنم، دیده خونین جگرم کو
 تنگست هوای فلک و سینه گردون
 من مرغ فضای دگرم راه و درم کو
 غم نیست حدیثی که بگویم به عبارت
 من تنگدلیم، موسم آزادترم کو
 هر شب قلم و دفتر و اشعار غریبی
 شد بی اثر این نسخه، دوی دگرم کو
 گرسنگ شود واژه، بود درد ز آهن
 اسمی که چو آتش بدماند اثرم کو
 من رفتنییم، زنده و مرده نشکمییم
 ای باد وطن، بسوی زمین پدرم کو

غلام حیدر یگانه

صوفیه 1993

مسئولیت فرد آگاه در جامعه

ایشان را به اسلام دعوت کنید اگر پذیرفتند خوب اگر قبول نکردند به حال خود شان بگذارید اگر همراهی شما کدام منازعه ندارند همراهی شان رفتار نیک و مدارا داشته باشید. مسئولیت دوم خدمت کردن در قبال جامعه است کوشش نماییم تا در جامعه در عرصه های مختلف مصدر خدمت شویم چون جامعه ما یک جامعه عقب مانده و نارس است که به سبب رواج ها و عنعنات گوناگون به جامعه فاسد شباهت تام دارد لهذا به فرد آگاه نیاز دارد تا ذهنیت عامه را روشن ساخته و جلو تضاد های اجتماعی، لسانی، قومی و منطقوی را گرفته هر چه زودتر پروسه خدمت کردن، رسیدن به مشکلات و نیاز های مردم باید روی دست گرفته شود تا از طریق این پروسه گام های موثر و مفید به منظور پیشرفت، رشد و ترقی جامعه برداشته شود جهت تطبیق این پروسه کمر همت

در قدم اول باید گفته شود که مسولیت گرفتن، کار ساده و آسان نیست اگر کسی بخواهد به همان قسمی که است با بهترین وجه ادا نماید توجه دقیق و تلاش گسترده می خواهد یک شخص آگاه، با شعور و با احساس خواهی نخواهی میداند و درک این را دارد که مسئولیت چیست و ادا نکردن آن چی ضرر های مادی و معنوی بر خود و بر جامعه اش می رسد؛ به هر حال همه ما در برابر جامعه و ملت مسئولیت داریم. مسئولیت اول ما منحیث یک مسلمان واقعی و خلیفه خدا در روی زمین عرضه کردن اسلام است، مهمتر از همه آنچه باید گفته شود که اسلام را با چه شیوه و روش عرضه کنیم در اسلام شیوه و طریقه های نرم و جاذبه وجود دارد که ما باید وارد عمل شویم و از راه ظلم، استبداد، زور و بی رحمی خود داری ورزیم اما متأسفانه هستند اشخاصی و افرادی که از اسلام برداشت غلط و نا درست دارند و اسلام را به طور واقع و درست درک نکردند اسلام را قسمی عرضه می کنند که انسان به ترس و وحشت می افتد در حالیکه دین اسلام دین خشونت و وحشت نیست در اسلام اصول و قواعد وجود دارد مثلی هرگاه شهروندان غیر مسلمان در کشور های اسلامی زنده گی میکنند مال و جان ایشان در امن است

گزارشات ماه:

- دوشنبه 1 دلو 1386، برف کوچ جان پنج نفر را در ولسوالی پسابند ولایت غور گرفت. - چهارشنبه 3 دلو 1386، والی ولایت غور با آسیب دیدگان حوادث اخیر ناشی از سردی هوا در قریه چیری ولسوالی پسابند دیدن نمود. - چهارشنبه 3 دلو 1386، لغزش سنگ جان پنج عضو یک خانواده را در قریه سر چیری گرفت. - چهارشنبه 3 دلو 1386، اعتراض شدید نمایندگان ولایت غور بر ارگانه های دولتی. - شنبه 6 دلو 1386، والی ولایت غور خواهان کمک به آسیب دیده گان آنولایت گردید. - یکشنبه 7 دلو 1386، افزایش سرسام آور معتادین مواد مخدر در ولایت غور. - دوشنبه 8 دلو 1386، یکهزار و یکصد و هفتاد خانواده در ولایت غور از کمک های موسسه سی-ار-اس مستفید گردیده اند. - سه شنبه 9 دلو 1386، احمد سعیدی از وظیفه اش استعفا داد. - چهارشنبه 10 دلو 1386، معتادین به مواد مخدر در غور را بین 2000 تا 50000 تن میخوانند.

شش ماه خاک، شش ماه خنک!

به اثر بی توجهی و بی مهری، رژیم های که یکی پی دگری سالیان متمادی را در منطقه فرمانروای کردند و همین قسم به علت مساعد نبودن ماه های اخیر سال برای زیستن ساکنین غور از دو ناحیه دچار تنگدستی و سر در گمی قرار دارند. نخست آنچه که مهم به نظر می رسد، این است که نظام های تا هنوز پیش چشم مردم تجربه شده اند صرف به اندیشه نظامی گری و تابع ساختن مردم از خواسته های حکومت مخصوص به خود حضور داشتند نه به منظور دستگیری و خدمت به باشندگان غور، شبیه: طالبان القاعده و نظام های پیش از آنها؛ از همین لحاظ است که امروزه شش ماه مکمل اول سال را زیر گرد و خاک موثرهای تیز رفتار دولت، مؤسسات خارجی و داخلی ... زندگی می کنیم و همواره خاک تنفس می نماییم که این به خودی خود عامل بروز امراض گوناگون در بین مردم گردیده است. لذا اگر هر حکومت به نوبه خود احساس مسئولیت می کردند و اندک اندک، اندیشه خدمت به خلق خدا(ج) را در چار چوب نظام خود جا می زد و از روی رواداری کمترین وقت خود را در این راه صرف می کردند؛ حال هیچ نوع درد سری در بین موجود نبود؛ همین طور ضرورت احساس نمی شد تا کسی لب به انتقاد کشوده و از رژیمی بدگوی نماید.

حال آنکه انتقاد حق قانونی و مسلم هر افغانستانی به حساب می آید تا از این راه به حق برسد. دوم: به جهت سرد سیر بودن هوای طبعی منطقه و محو هیزم و مواد سوخت شش ماه اخیرسال را زیر طغیان سرمای زمستان به سر می بریم. قابل توجه است که در بند دوم بحث هم شکایت از حکومت هاست؛ زیرا در هر برهه تاریخ حتما کسی وجود داشته که رهبریت نظام ویژه خویش را عهده دار بوده و در ولایات شبیه قندهار، هلمند، جلال آباد، مزار و... سرک پخته ساخته و بند برق اعمار نموده تا حالا شهروند آن ولایت به کمترین مشکل از این ناحیه دست و پنجه نرم نکنند. اگر آنها حد اقل گوشه از عدالت را رعایت می کردند حالا ما هم به این حد داد نمی کشیدیم و از مسئولین بسیار محترم غور اعم از قوماندانان جهادی، وکلای محترم شورای ملی و مجلس سنا که همه زاده غور و از آب و نان غور به بزرگی رسیده اند و از نماینده های محترم دولت که فعلا در غور حضور دارند، خیلی احترامانه خواهشمندیم دست از زیر الاشه برداشته درین راستا توجه خویش را مبذول دارند و وجیه خویش را در مورد گرفتن حق مردم از دولت ادا نمایند. چون گپ شفاف است که حق داده نمی شود و اما گرفته می شود. بنا برین باید از حق مردم خود دفاع کنند. هدفمند

را بسته، دست به دست هم داده اختلافات را یک طرف گذاشته و از هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نوزیم. همگام و همنا حرکت کنیم عدالت تطبیق شود و حق خواستن را در هر نوع شرایط اظهار نماییم از حقوق خود و جامعه قاطعانه و شجاعانه دفاع نماییم مبارزه بر ضد بی عدالتی، عدم مساوات، جهل و نادانی را شعار خویش بسازیم از طریق اطلاعات جمعی ذهنیت ها را آماده خدمت ساخته و جامعه را بطرف فلاح و رستگاری سوق دهیم.

قربان کریمی

– دوشنبه 15 دلو 1386، اگر به بیش از 10000 ورزشکار در ولایت غور، توجه صورت نگیرد به مواد مخدر آغشته خواهند شد. – دوشنبه 15 دلو 1386، احمد ملجی مجدداً بحیث ولسوال ملجی شهرک مقرر شد. – پنجشنبه 18 دلو 1386، برای پنجصد و بیست خانواده در ولایت غور مواد غذایی توزیع گردید. – جمعه 19 دلو 1386، تنها راه ولسوالی لعل بسوی چغچران باز است. – جمعه 19 دلو 1386، والی ولایت غور 300 تن از افراد بی بضاعت آنولایت را مساعدت نقدی نمود. – دوشنبه 22 دلو 1386، شاهراه چغچران – هرات بعد از گذشت دو ماه بروی ترافیک باز شد.

صاحب امتیاز:

استاد خالقداد فیروزکوهی

مدیر مسئول:

عبدالقدیر دلآوری / تماس: 0797069095

آدرس الکترونیکی: abdul_ghadir_delavary@yahoo.com

معاون مدیرمسئول: عبدالشکور عزیز / تماس: 0777334430

سردبیر:

قربان کریمی / تماس: 0797073824

معاون سردبیر:

اخترمحمد اخگر / تماس: 0797185065

گزارشگر:

قربان اتالیق پور / تماس: 0799756929

طرح:

عبدالوقار دانشیار / تماس: 0700012983

آدرس الکترونیکی: ferozkohm@yahoo.com

مسئول امور مالی: ضیا الحق فیروزکوهی

تحت نظر:

هیأت تحریر

محل چاپ:

مطبعه سهر